

وابستگی نفتی و تقاضای نفت

نگاهی به هزینه وابستگی آمریکا به نفت

محمد حسن فطرس*

رضا معبودی**

چکیده:

با توجه به روند افزایش بهای نفت در ماههای گذشته و پیش‌بینی افزایش تقاضای جهانی در دهه‌های آینده، وابستگی نفتی یکی از چالش‌های بزرگ اقتصاد جهان به‌شمار می‌رود. افزایش بهای نفت بسته به میزان وابستگی اقتصاد به نفت، هزینه‌های سنگین بر جامعه تحمیل می‌کند. هر چه درجه وابستگی به نفت بیشتر باشد، تکانه‌ها و نوسانهای قیمتی آسیبهای بیشتری به اقتصاد می‌زند. در این پژوهش به هزینه‌های وابستگی نفتی يك اقتصاد وارد کننده نفت که برای تأمین بخشی از نیاز داخلی خود توان تولید نفت را نیز دارد، پرداخته می‌شود. در ادامه با توجه به حجم چشمگیر مصرف نفت در ایالات متحده، هزینه‌های وابستگی نفت برای آن کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشگفتار

صادر کننده نفت و هم برای کشورهای وارد کننده نفت داشته باشد. آسیب‌پذیری کشورها از تکانه‌های بهای نفت به درجه وابستگی اقتصادی آنها به نفت باز می‌گردد. از این‌رو، وابستگی نفتی و بر آورد هزینه‌های آن در اقتصاد، اهمیت ویژه دارد. وابستگی

یکی از موضوعات مهم در این ماهها که نگرانی‌های جهانی را برانگیخته، افزایش تقاضای جهانی برای نفت و روند افزایش بهای آن است. افزایش بهای نفت می‌تواند آثاری منفی هم برای اقتصاد کشورهای

* عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا - همدان

** کارشناس ارشد علوم اقتصادی

باشد. برپایه این تعریف، می توان سه گونه هزینه وابستگی نفتی برای يك اقتصاد وارد کننده نفت معرفی کرد: یکم، هزینه انتقال دارایی؛ دوم، هزینه کاهش تولید ناخالص داخلی بالقوه؛ و سوم، هزینه های برآمده از تعدیل اقتصاد کلان. در زیر به معرفی این هزینه ها می پردازیم.

۱-۱- هزینه انتقال دارایی

انتقال دارایی مقدار در آمدی است که به علت افزایش بهای نفت به بالای سطح رقابتی آن، از کشور وارد کننده نفت به درون کشور صادر کننده نفت جریان می یابد. برای بیان مفهوم انتقال دارایی و اندازه گیری مقدار آن در يك اقتصاد، از منحنی های عرضه و تقاضای نفت بهره گرفته می شود. به همان گونه که نمودار ۵ نشان می دهد، اگر نخست بهای رقابتی نفت برای این اقتصاد P_c باشد در این قیمت، مقدار عرضه و تقاضا به ترتیب برابر با S_c و D_c می شود. مقدار واردات نفت نیز از تفاوت $D_c - S_c$ روشن می شود. اقتصاد هزینه ای برابر با $(D_c - S_c)P_c$ برای واردات متحمل می شود. این مقدار (هزینه) برای کشور صادر کننده نفت، گونه ای در آمد به شمار می آید. بنابراین، جریانی پولی از کشور وارد کننده به کشور صادر کننده وجود دارد.

اگر به هر علت، برای نمونه کاهش امنیت تولید

نفتی را بسته به اینکه اقتصاد مورد نظر وارد کننده یا صادر کننده نفت باشد از دو دیدگاه متفاوت می توان مطرح کرد. وابستگی نفتی برای کشورهای صادر کننده نفت، بیشتر از جهت آثار منفی درآمدهای نفتی بر بخش های گوناگون اقتصاد و وابستگی بودجه دولت به در آمد نفت قابل بررسی است. وابستگی نفتی يك کشور وارد کننده نفت، از جهت تقاضای آن کشور برای نفت و آسیب پذیری اقتصاد آن بر اثر نوسان بهای نفت مطرح می شود. برای بر آورد هزینه های وابستگی نفتی، نخست باید تعریفی روشن از وابستگی نفتی به دست داده شود. در پژوهش های گوناگون، با طرح مسئله «بیماری هلندی»، وابستگی نفتی در مورد کشورهای صادر کننده نفت بررسی شده است. ولی در مورد وابستگی نفتی از بعد تقاضای نفت پژوهش هایی اندک صورت گرفته است. با توجه به افزایش تقاضای جهانی نفت و آثار منفی آن، بررسی چندو چون وابستگی نفتی کشورهای وارد کننده نفت سودمند است. از این رو، وابستگی نفتی و هزینه های آنرا برای يك اقتصاد وارد کننده نفت که توانایی تولید نفت را دارد ولی به علت بالا بودن تقاضای داخلی بخشی از نیاز خود را از خارج می خرد مطرح می کنیم. در ادامه به موارد زیر پرداخته می شود:

نخست، تعریف وابستگی نفتی و بر آورد هزینه های گوناگون آن؛ دوم، تقاضای جهانی نفت و روند دگرگونی های آن؛ سوم، هزینه وابستگی نفتی برای ایالات متحده آمریکا. در بخش پایانی نیز به نتیجه گیری و طرح پیشنهادها می پردازیم.

۱- وابستگی نفتی

وابستگی نفتی را می توان هزینه های برآمده از آسیب پذیری يك اقتصاد، به علت افزایش غیر طبیعی بهای نفت، تعریف کرد. این افزایش بها می تواند بر اثر کاهش حاشیه امنیت کشورهای تولید کننده نفت، بهره گیری کارتل ها از توان انحصاری خود برای بالا بردن بهای نفت، افزایش تقاضای سفته بازی نفت و ...

○ وابستگی نفتی از سه راه می تواند منافع يك اقتصاد وارد کننده نفت را با خطر روبه رو کند؛ یعنی، گذشته از افزایش هزینه واردات و کاهش تولید ناخالص داخلی بالقوه، دیگر متغیر های کلان اقتصاد را نیز تهدید کند. هر چه اقتصاد يك کشور بیشتر به واردات نفت وابسته باشد، آسیب های اقتصادی بر اثر تکان های قیمتی نفت بیشتر خواهد بود.

نفت به مفهوم کاهش توانایی اقتصاد برای تولید فرآورده است. از دست رفتن و کاهش توان تولید، کاهش تولید ناخالص داخلی بالقوه را به دنبال خواهد داشت. کاهش تولید ناخالص داخلی بالقوه را می توان مجموع زیانهای افراد جامعه دانست. برای این منظور، مفهوم رفاه اقتصادی افزوده به کار گرفته می شود. چنان که نمودار ۲ نشان می دهد، اگر بهای نفت از P_c به سطح P_M افزایش یابد رفاه از دست رفته برای تولیدکنندگان و مصرف کنندگان نفت در اقتصاد برابر با مساحت مثلث های ۱ و ۲ می شود.

مساحت دو مثلث، بر سر هم، مقدار کاهش بالقوه تولید ناخالص داخلی اقتصاد بر اثر افزایش بهای نفت را نشان می دهد.

۱-۳- هزینه برآمده از تعدیل اقتصاد کلان

در بحث تعدیل اقتصاد کلان، هدف بررسی اثر نهایی

کشورهای صادر کننده نفت، بهای نفت بالاتر از سطح رقابتی آن، یعنی P_M ، قرار گیرد، در این صورت، تولید داخلی نفت برابر با S_M و تقاضای داخلی D_M می شود و واردات برابر با $D_M - S_M$ و هزینه واردات برابر با مقدار واردات ضرب در بهای آن یعنی $(D_M - S_M)P_M$ خواهد بود و بدین سان انتقال دارایی در این اقتصاد برابر است با:

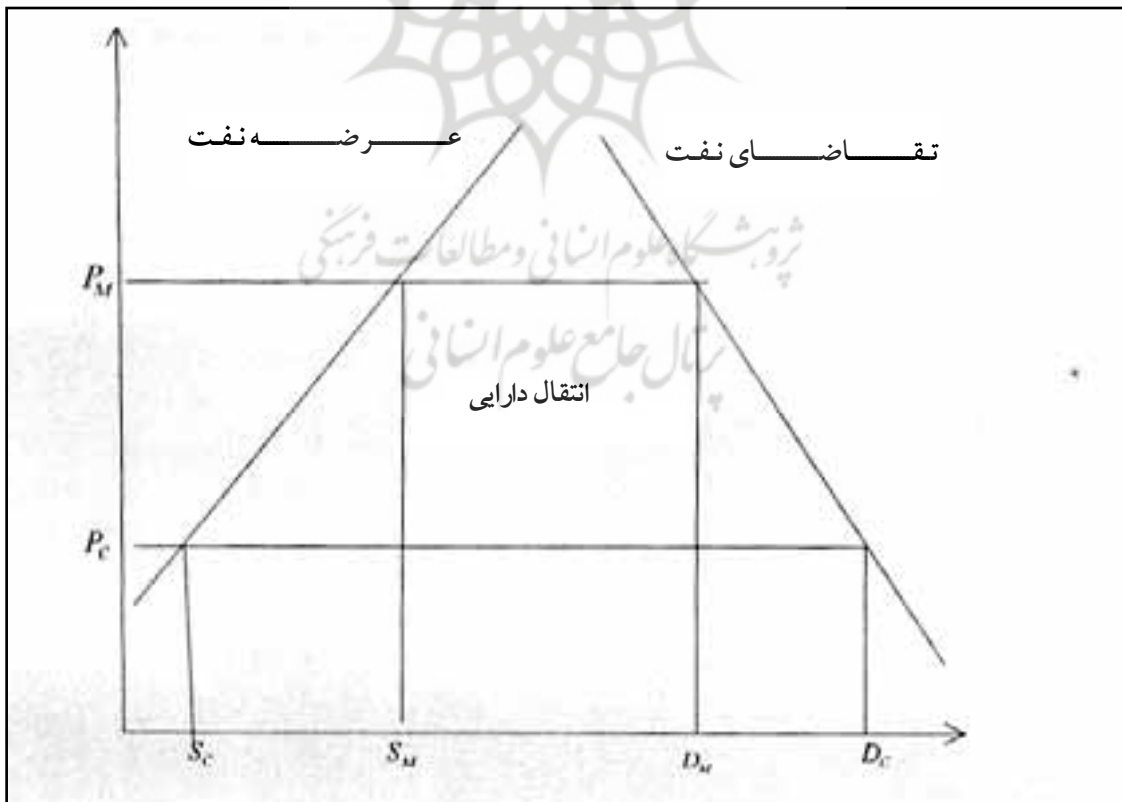
$$(D_M - S_M) (P_M - P_c)$$

مقدار انتقال دارایی گرچه هزینه کشور وارد کننده نفت را افزایش می دهد اما بر اقتصاد جهانی اثری ندارد، زیرا تنها مالکیت این درآمد جابه جا کرده است.

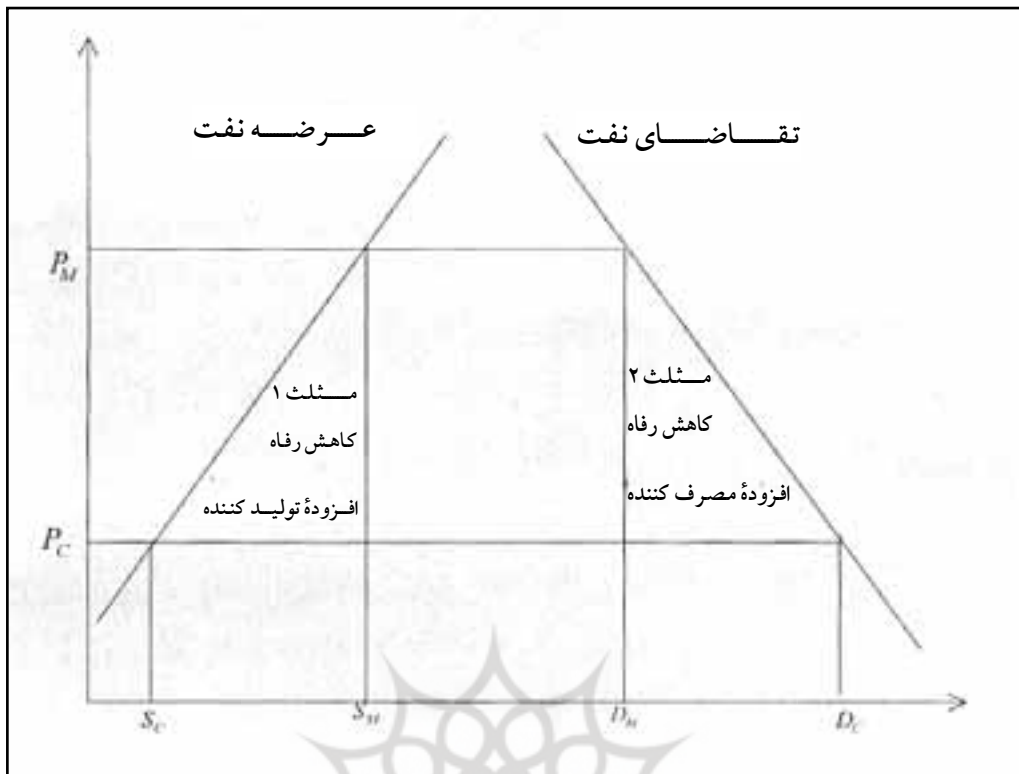
۱-۲- هزینه کاهش تولید ناخالص داخلی بالقوه

انرژی یکی از نهاده های تولید است که در کنار عامل سرمایه و نیروی کار برای تولید کالاها و خدمات به کار می رود. بنابراین، افزایش بهای نفت - بعنوان نهاده تولید - نشانه ای به معنای کمیاب شدن نفت است. کمیاب شدن

نمودار ۱- انتقال دارایی بر اثر افزایش بهای نفت



نمودار ۲- کاهش تولید ناخالص داخلی بالقوه بر اثر افزایش بهای نفت



در صورت ثابت ماندن عرضه پول و سیاست انبساطی پولی، عرضه حقیقی پول به علت افزایش سطح عمومی قیمت‌ها کاهش می‌یابد که افزایش نرخ بهره و کاهش سرمایه‌گذاری در اقتصاد را در پی خواهد داشت. یکی از مشکلات بزرگ در اندازه‌گیری هزینه تعدیل آن است که در بیشتر بررسی‌ها، کاهش GDP بالقوه و هزینه تعدیل را از هم جدا نمی‌کنند. یکی از

○ نوسانهای تقاضای انرژی در دهه‌های

آینده نشان می‌دهد که گرچه سهم دیگر انرژیها افزایش می‌یابد، ولی نفت همچنان بعنوان انرژی استراتژیک جایگاه خود را حفظ خواهد کرد. رشد تقاضای جهانی برای نفت نشان می‌دهد که چین و هند به ترتیب بالاترین افزایش در تقاضای نفت را تجربه کرده‌اند.

نوسان بهای نفت بر متغیرهای کلان جامعه و بر آورد هزینه‌هایی است که اقتصاد بر اثر این نوسان، متحمل می‌شود. انرژی، نهاده مهم تولید است که افزایش بهای آن بهای تمام شده فرآورده‌های بنگاهها را افزایش می‌دهد. بنگاهها برای پوشش دادن هزینه‌ها ناچارند بهای فروش فرآورده‌های خود را افزایش دهند. افزایش بهای کالاها و خدمات، سطح عمومی قیمت‌ها را در جامعه بالا می‌برد. نیروی کار برای جلوگیری از کاهش توان خرید و پوشش دادن هزینه زندگی، دستمزدهای بیشتری درخواست می‌کند. از سوی دیگر، در برابر افزایش بهای انرژی، بنگاهها تنها تا اندازه‌ای با افزایش بهای فروش فرآورده‌های خود می‌توانند با آن مقابله کنند. در صورت افزایش دوباره بهای انرژی، بنگاهها ناگزیرند تا آنجا که ممکن است هزینه‌های خود را کاهش دهند. بخشی از کاهش هزینه‌ها از راه کاهش هزینه به کار گرفتن نیروی کار انجام می‌گیرد. بنابراین، بیکاری افزایش خواهد یافت.

$$P_t^* = CP_{t+1} + (1-C) P_{t-1}^*$$

در این صورت، هزینه تعدیل کلان از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

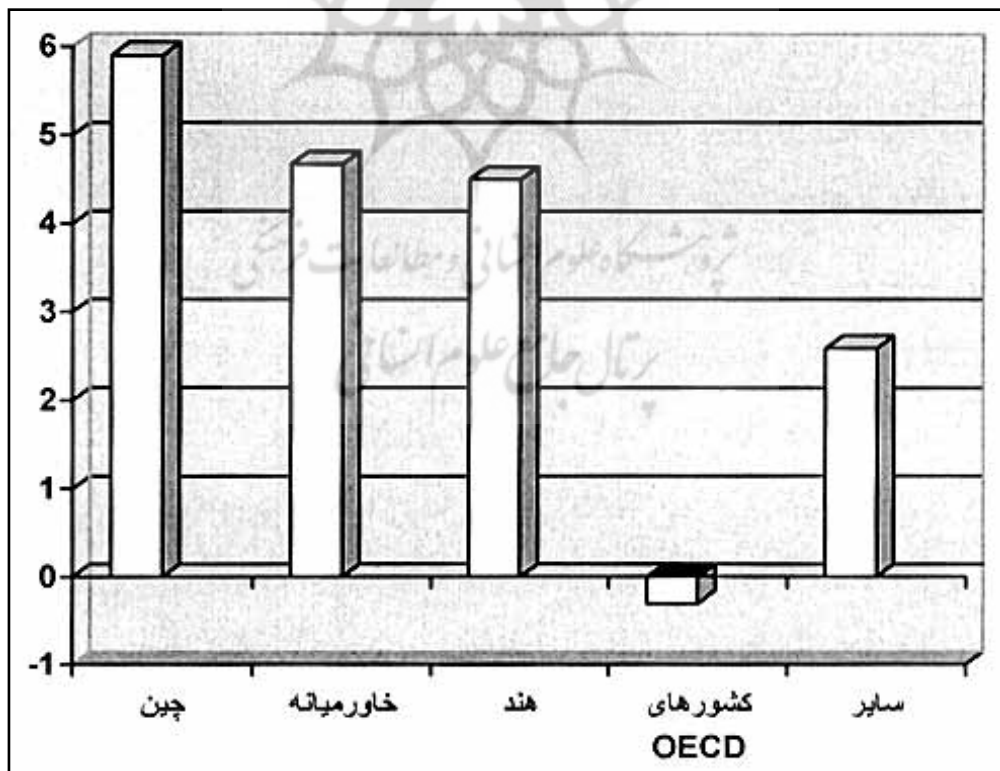
$$[(P_t - P_t^*) \eta_t] / \lambda_t$$

که در آن λ_t میانگین بهای جاری و مطلوب و η_t کشش تولید ناخالص داخلی و بهای نفت است. ایستوود در ۱۹۹۲ روش هیکنم را بررسی کرد (Eastwood, 1992) یافته‌های ایستوود نشان می‌دهد که روش هیکنم به سادگی می‌تواند هزینه تعدیل کلان اقتصادی بر اثر تکانه‌های قیمتی نفت را اندازه‌گیری کند و می‌توان به نتایج روش هیکنم اعتماد کرد.

برپایه آنچه گفته شد، وابستگی نفتی از سه راه می‌تواند منافع یک اقتصاد واردکننده نفت را با خطر روبه‌رو کند؛ یعنی، گذشته از افزایش هزینه واردات و کاهش تولید ناخالص داخلی بالقوه، دیگر متغیرهای

روشهایی که برای اندازه‌گیری هزینه تعدیل کلان اقتصادی به کار می‌رود، بهره‌گیری از الگوهای (Energy Modeling Forum) EMF است. هیکنم و دیگران در ۱۹۸۷ با به کارگیری گونه‌ای از الگوی EMF که در آن از کشش تولید ناخالص داخلی و بهای نفت بهره گرفته می‌شود، هزینه‌های تعدیل کلان اقتصادی را بر اثر شوک‌های قیمتی نفت برای برخی از کشورهای واردکننده نفت برآورد کردند (Hickman et al., 1987). در روش هیکنم، نخست با حل معادلات عرضه و تقاضای نفت، بردار قیمتی نفت به دست می‌آید. سپس، هزینه تعدیل به صورت درصدی از تفاوت بهای جاری و بهای مطلوب نفت تخمین زده می‌شود. هیکنم می‌گوید که بهای مطلوب نفت در زمان t (P_t^*) برابر با میانگین وزنی بهای جاری بازار (P_t) و بهای مطلوب سال گذشته است:

نمودار ۳- رشد تقاضای جهانی برای نفت در سال ۲۰۰۷



مأخذ: سازمان اطلاعات انرژی، ۲۰۰۸

جدول ۱- پیش‌بینی تقاضای جهانی انرژی

سال	سطح مصرف انرژی				نرخ رشد تقاضا ۲۰۰۵-۲۰۳۰	سهم انرژی			
	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۲۰	۲۰۳۰		۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۲۰	۲۰۳۰
نفت	۴۰۰۲	۴۳۱۹	۴۹۹۶	۵۶۸۹	۱/۴	۳۹/۲	۳۸/۴	۳۷/۵	۳۶/۵
جامد	۲۸۲۲	۳۱۴۴	۳۷۰۳	۴۱۸۱	۱/۶	۲۷/۶	۲۸/۱	۲۷/۸	۲۶/۸
گاز	۲۳۴۶	۲۶۵۵	۳۳۵۲	۴۲۷۶	۲/۴	۲۳/۰	۲۳/۶	۲۵/۱	۲۷/۴
انرژی هسته‌ای	۱۰۴۱	۱۰۱۱۷	۱۰۲۸۳	۱۰۴۳۴	۱/۳	۱۰/۲	۹/۹	۹/۶	۹/۳
جمع کل	۱۰۲۱۲	۱۱۰۲۳۶	۱۳۰۳۳۵	۱۵۰۵۸۰	۱/۷	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: گزارش سالانه OPEC، ژانویه ۲۰۰۸

حفظ خواهد کرد.

رشد تقاضای جهانی برای نفت نشان می‌دهد که چین و هند به ترتیب بالاترین افزایش در تقاضای نفت را تجربه کرده‌اند. بنابراین، با توجه به رشد تقاضای جهانی نفت، وابستگی نفتی برای کشورهای واردکننده نفت جدی خواهد بود. این موضوع می‌تواند گذشته از به بار آوردن هزینه‌های کلان برای اقتصاد این کشورها، رشد اقتصادی آنها را نیز کاهش دهد.

نمودار ۳ رشد تقاضای جهانی نفت را در ۲۰۰۷ نشان می‌دهد. چنان‌که دیده می‌شود، چین و هند بالاترین نرخ رشد را داشته‌اند. چنانچه چین و هند نرخ

کلان اقتصاد را نیز تهدید کند. هر چه اقتصاد یک کشور بیشتر به واردات نفت وابسته باشد، آسیبهای اقتصادی بر اثر تکانه‌های قیمتی نفت بیشتر خواهد بود. بر این پایه، با توجه به اهمیت تقاضای نفت، موضوع را از دیدگاه تقاضای جهانی نفت بررسی می‌کنیم.

۲- نفت و تقاضای جهانی آن

با بررسی مصرف انرژی روشن می‌شود که سوخت‌های فسیلی بیشترین سهم را در تأمین انرژی مورد نیاز دارد. با وجود سیاست‌های گوناگونی که در زمینه جایگزین کردن سوخت‌های غیر فسیلی در این سالها در پیش گرفته شده، هنوز نفت و فرآورده‌های نفتی بزرگ‌ترین منبع تأمین انرژی است. ویژگی‌های برجسته نفت مانند ارزان بودن، استراتژیک بودن، در دسترس بودن، تبدیل شدن به دیگر گونه‌های انرژی، آسان بودن جابه‌جایی و... سبب شده است که تقاضای جهانی نفت همچنان روند صعودی داشته باشد. گزارش سازمان کشورهای صادرکننده نفت (OPEC) نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۳۰ تقاضای جهانی نفت همچنان رو به افزایش خواهد بود. جدول ۱ روند نوسانهای تقاضا برای نفت و دیگر انرژی‌ها را از ۲۰۰۵ تا ۲۰۳۰ نشان می‌دهد.

نوسانهای تقاضای انرژی در دهه‌های آینده نشان می‌دهد که گرچه سهم دیگر انرژیها افزایش می‌یابد، ولی نفت همچنان بعنوان انرژی استراتژیک جایگاه خود را

○ بررسیهای اقتصادی نشان می‌دهد که افزایش بهای نفت، تنها از کاهش عرضه آن مایه نگرفته، بلکه کاهش امنیت کشورهای تولیدکننده نفت با توجه به بحرانهای اخیر در خاورمیانه و افزایش تقاضای سفته‌بازی نفت از مهمترین عوامل افزایش بهای نفت بوده است. بنابراین، صلح در خاورمیانه و امنیت کشورهای تولیدکننده نفت، از مهمترین عواملی است که می‌تواند از افزایش بهای نفت جلوگیری کند.

آمریکا، چین و ژاپن به ترتیب با ۲۰/۶۹۸، ۷/۸۵۵ و ۵/۰۵۱ میلیون بشکه نفت در روز، بالاترین مصرف نفت را داشته‌اند. با توجه به تقاضای چشمگیر ایالات متحده آمریکا برای نفت، هزینه‌های وابستگی نفتی آن کشور را بررسی می‌کنیم.

۳- هزینه وابستگی ایالات متحده به نفت

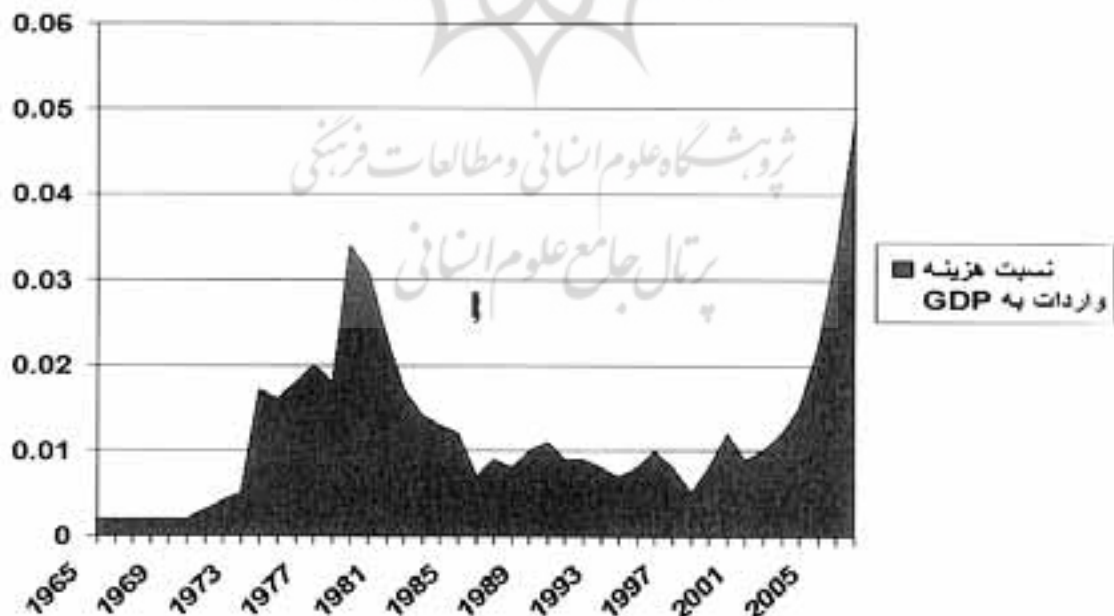
بررسی اقتصاد ایالات متحده بسیار اهمیت دارد، زیرا از یک سو بزرگترین اقتصاد جهان است و از سوی دیگر بزرگترین مصرف کننده و واردکننده نفت در جهان به‌شمار می‌آید. از این رو افزایش بی‌سابقه بهای نفت در ماههای گذشته سبب شده است که بسیاری از تحلیلگران و اقتصاددانان درباره آثار منفی افزایش بهای نفت بر اقتصاد آمریکا هشدار دهند. در این بخش، نخست اقتصاد آمریکا را با توجه به مصرف و مقدار هزینه واردات نفت بررسی می‌کنیم و سپس به هزینه وابستگی آن کشور به نفت می‌پردازیم.

○ بر پایه آمارها، ایالات متحده در سال گذشته ۶/۸۷۹ میلیون بشکه در روز نفت تولید کرده است. با توجه به مصرف ۲۰/۶۹۸ میلیون بشکه نفت در روز، آمریکا برای تأمین نفت مورد نیاز خود، روزانه ۱۳/۸۱۹ میلیون بشکه نفت خام وارد کرده است. این ارقام نشان می‌دهد که مقدار واردات آمریکا حتی از مجموع مصرف دو کشور چین و ژاپن بیشتر است.

رشد خود را کاهش ندهند، در آینده نزدیک با بحران انرژی روبه‌رو خواهند شد و چه بسا اقتصادشان هزینه سنگینی در این زمینه متحمل شود.

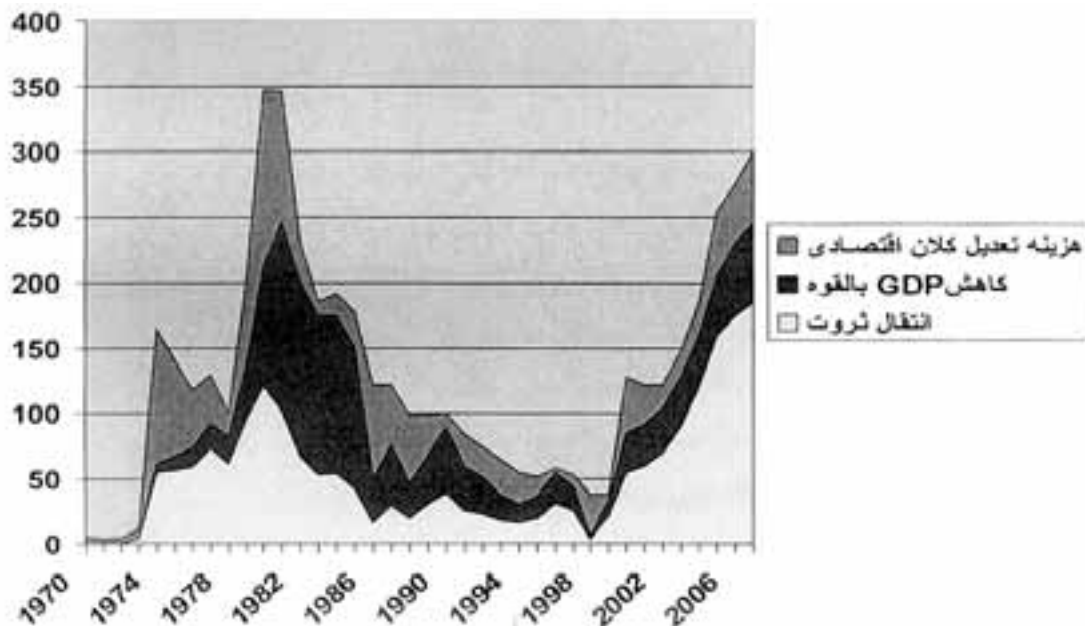
از سوی دیگر، آمارها نشان می‌دهد که در ۲۰۰۷

نمودار ۴- نسبت هزینه واردات به تولید ناخالص داخلی برای ایالات متحده



مأخذ: بانک اطلاعات سازمان ملل متحد

نمودار ۵- هزینه‌های وابستگی آمریکا به نفت (ارقام به بلیون دلار در سال)



مأخذ: یافته‌های پژوهش

مصرف ۲۰/۶۹۸ میلیون بشکه نفت در روز، آمریکا برای تأمین نفت مورد نیاز خود، روزانه ۱۳/۸۱۹ میلیون بشکه نفت خام وارد کرده است. این ارقام نشان می‌دهد که مقدار واردات آمریکا حتی از مجموع مصرف دو کشور چین و ژاپن بیشتر است. نمودار ۴ گویای افزایش هزینه واردات به تولید ناخالص داخلی آن کشور در این سال‌ها است و نشان می‌دهد که این نسبت از سال ۲۰۰۰ روند صعودی داشته است.

در چند ماه گذشته، دولت آمریکا در برابر افزایش بهای نفت، تلاش کرد با مقصّر جلوه دادن کشورهای صادرکننده نفت (OPEC) از جهت کاهش عرضه نفت، آنها را به افزایش تولید وادارد. ولی پس از نشست جدّه در تیر ماه گذشته، استراتژی کشورهای تولیدکننده نفت دستخوش تغییر نشد و تلاش آمریکا برای پایین آوردن بهای نفت بی نتیجه ماند. بسیاری از تحلیلگران بر آنند که علت اصلی افزایش بهای نفت به سیاستهای نادرست و ناکارآمد آمریکا در خاورمیانه، بویژه در عراق بازمی‌گردد. به هر رو، عامل افزایش بهای نفت هر چه

۳-۱- اقتصاد آمریکا و مصرف نفت

ایالات متّحده آمریکا کشوری است بزرگ با ۹۶۳۱۴۱۸ کیلومتر مربع مساحت و جمعیتی بیش از ۳۰۰ میلیون نفر. ایالات متّحده از بُعد بازرگانی جهانی، یکی از بزرگترین کشورهای جهان به شمار می‌آید. آمریکا در ۲۰۰۷ رتبه نخست را در بازرگانی جهانی داشته است. حجم کلان مبادلات بازرگانی و تقاضای داخلی برای کالاها و خدمات، این کشور را به صورت بزرگترین مصرف کننده انرژی در جهان در آورده است. گرچه آمریکا دارای ذخایر طبیعی و منابع اقتصادی فراوان است، ولی بخش بزرگی از انرژی مورد نیاز خود را از راه واردات تأمین می‌کند. افزایش روند مصرف نفت در آمریکا در چند سال گذشته سبب شده است که این کشور واردات نفت خام خود را به گونه چشمگیر افزایش دهد.

بر پایه آمارها، ایالات متّحده در سال گذشته ۶/۸۷۹ میلیون بشکه در روز نفت تولید کرده است. با توجه به

می‌دهد که آن کشور از ۱۹۸۱ تا سال ۲۰۰۰، همراه با افزایش مصرف نفت، سیاستهای مؤثری در جهت کاهش هزینه‌های وابستگی خود به نفت در پیش گرفته است. ولی آنچه مایه نگرانی ایالات متحده و دیگر کشورهای واردکننده نفت می‌شود، روند افزایش بهای نفت است. در صورت افزایش قیمت‌ها، حتی با اجرای سیاست‌های کارا، هزینه انتقال دارایی و کاهش تولید ناخالص داخلی بالقوه افزایش می‌یابد. نمودار ۵ هزینه وابستگی ایالات متحده را در یک دوره ۳۷ ساله نشان می‌دهد.

یافته‌ها گویای آن است که آمریکا با وجود سیاستهای گوناگونی که برای یافتن یک سوخت مناسب به جای نفت در پیش گرفته، نتوانسته است در راه کاهش وابستگی نفتی خود گامی کارساز بردارد. مشکل بزرگ در جایگزین کردن دیگر سوختها این است که نفت هنوز ارزاترین و با صرفه‌ترین منبع تأمین انرژی است. به نظر می‌آید که افزایش بهای نفت، رشد اقتصادی کشورهای واردکننده نفت را کاهش می‌دهد و از این راه رشد اقتصادی جهان نیز به مخاطره خواهد افتاد. با افزایش بهای نفت، صنایع مصرف کننده نفت تلاش خواهند کرد هر چه بهتر از سوخت بهره‌گیرند و از هدر دادن یا کاربرد بیش از اندازه آن جلوگیری کنند. این شیوه می‌تواند مصرف و هزینه را کاهش دهد؛ ولی از سوی دیگر، افزایش بهای نفت باعث می‌شود که به جای صنایع انرژی‌بر، بخشهای خدماتی که در سنجش با بخش تولید به انرژی کمتری نیاز دارد، توسعه یابد. از این رو افزایش بهای نفت می‌تواند با کاستن از توان تولیدی صنایع، روند توسعه کشورهای را به خطر اندازد.

۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

دید شده که افزایش بهای نفت می‌تواند گذشته از انتقال بخشی از دارایی جامعه، با کاستن از توان تولید و اثرگذاری بر متغیرهای کلان جامعه، هزینه‌های سنگین برای کشورهای واردکننده نفت داشته باشد. با بررسی

○ گزارش آژانس بین‌المللی انرژی نشان می‌دهد که در ۲۰۰۷ به گونه میانگین ۵۸ درصد از تقاضای نفت در جهان مربوط به کشورهای رو به توسعه در آسیا بوده است. با توجه به رشد تقاضای کشورهای رو به توسعه برای نفت و به علت برنامه‌ریزی نامناسب و نبود سیاستی جامع برای کاستن از وابستگی نفتی، در صورت بروز تکانه و نوسانهای قیمتی، این کشورها پذیرای بیشترین آسیب اقتصادی خواهند بود. در میان این کشورها، نرخ رشد تقاضا در چین و هند از همه بالاتر است. بر پایه آمارها و با توجه به چشم‌انداز مصرف نفت در جهان، آینده اقتصاد چین و هند، بیش از دیگر کشورهای رو به توسعه نگران کننده است.

باشد، در شرایط کنونی، دولت آمریکا سخت‌نگران وابستگی اقتصاد خود به نفت است.

۲-۳- هزینه وابستگی ایالات متحده به نفت
افزایش واردات نفت در کنار بالا رفتن بهای آن، گذشته از افزایش هزینه واردات، هزینه‌های وابستگی آمریکا به نفت را نیز سنگین‌تر کرده است. افزایش هزینه واردات نفت باعث شده است که با وجود افزایش ۳/۳ درصدی صادرات، کسری بازرگانی این کشور در آوریل امسال به ۶۰ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار برسد. کاهش تولید ناخالص داخلی بالقوه در کنار افزایش هزینه انتقال دارایی و هزینه تعدیل اقتصاد کلان، هزینه‌هایی است که آمریکا به علت وابستگی اقتصادش به نفت می‌پردازد. هزینه‌های وابستگی آمریکا نشان

برد.

۴- بررسیهای اقتصادی نشان می‌دهد که افزایش بهای نفت، تنها از کاهش عرضه آن مایه نگرفته، بلکه کاهش امنیت کشورهای تولیدکننده نفت با توجه به بحرانهای اخیر در خاورمیانه و افزایش تقاضای سفته‌بازی نفت از مهمترین عوامل افزایش بهای نفت بوده است. بنابراین، صلح در خاورمیانه و امنیت کشورهای تولیدکننده نفت، از مهمترین عواملی است که می‌تواند از افزایش بهای نفت جلوگیری کند.

منابع:

1. Boil, G. and Bentley, R. (2007) "Global Oil Production: Forecasts and Methodologies, Environment and Planning", **Planning and Design**, Volume 34, 2007.
2. Duffield, John. "The Military Costs of Foreign Oil Dependence" Paper presented at the annual meeting of the American Political Science Association, Hilton Chicago and the Palmer House Hilton, Chicago, IL, Sep 02, 2004 Online <PDF> 2008-06-28
3. Green, David L. and Sanjana, Ahmad, (2005), "Costs of U.S. Oil Dependence" ORNL/ TM-2005/45.
4. Ian, W.H. Parry and Joel Darmstadter, (2004), The Costs of U.S. Oil Dependency, Paper prepared for the National Commission on Energy Policy.
5. Luft, Gal (2005), "America's oil dependence and its implication for U.S. Middle East Policy"
6. Joint Transport Research Center (2008), Oil dependence is Transport Running out of Affordable Fuel? Summary and Conclusion. Discussion Paper no. 2008-5, February, 2008.
7. OPEC Annual Bulletin (2008) World Oil Demand and Supply, January, 2008
8. OPEC, (2007). World Oil Outlook, February, 2007.

اقتصاد آمریکا روشن می‌شود که این کشور هنوز گرفتار وابستگی نفتی است و با وجود درپیش گرفتن سیاستهای گوناگون در سالهای اخیر، هزینه وابستگی اش به نفت رو به افزایش بوده است.

گزارش آژانس بین‌المللی انرژی نشان می‌دهد که در ۲۰۰۷ به گونه میانگین ۵۸ درصد از تقاضای نفت در جهان مربوط به کشورهای رو به توسعه در آسیا بوده است. با توجه به رشد تقاضای کشورهای رو به توسعه برای نفت و به علت برنامه‌ریزی نامناسب و نبود سیاستی جامع برای کاستن از وابستگی نفتی، در صورت بروز تکانه و نوسانهای قیمتی، این کشورها پذیرای بیشترین آسیب اقتصادی خواهند بود. در میان این کشورها، نرخ رشد تقاضا در چین و هند از همه بالاتر است. برپایه آمارها و با توجه به چشم‌انداز مصرف نفت در جهان، آینده اقتصاد چین و هند، بیش از دیگر کشورهای رو به توسعه نگران کننده است.

پیش‌بینی می‌شود که تا پایان سال ۲۰۳۰، تقاضای جهانی نفت همچنان رو به افزایش باشد. بنابراین، با توجه به افزایش بهای نفت باید به چند نکته مهم توجه داشت:

۱- اگر بهای نفت در همین حد متوقف شود یا حتی اندکی کاهش یابد، بازگرانی این ماده سوختی به اقتصاد جهان لطمه می‌زند.

۲- برخلاف بحرانهای بزرگ انرژی که در گذشته پیش آمده، افزایش بهای نفت به آرامی صورت گرفته است. در صورتی که علت آن به درستی ریشه‌یابی نشود، در آینده ممکن است شاهد یک بحران بزرگ انرژی دیگر باشیم.

۳- با درپیش گرفتن سیاستهای مناسب، می‌توان هزینه‌های تعدیل را کاهش داد و از این راه بخشی از آثار افزایش بهای نفت بر ساختار کلان اقتصادی را از میان